



# ادله الکترونیکی اثبات دعوا در دادرسی اداری و مدنی در ایران و فقه امامیه

حمیدرضا احمدی لاشکی\*

حمید ابهری\*\*

عباس مقدری امیری\*\*\*

## چکیده

امروزه با گسترش فناوری، اطلاعات ادله الکترونیکی و اسناد مربوط به آن‌ها به صورت روزافزونی در حال ذخیره سازی و تولید هستند. استنادپذیری ادله اثبات دعوا الکترونیکی در قانون تجارت ایران و در دادرسی مدنی پذیرفته شده است. قانون‌گذار ایران با توجه به قانون نمونه تجارت الکترونیک آنسیتراو و ماده ۴۷ آیین‌نامه استنادپذیری ادله الکترونیک (مصوب ۱۳۹۳)، داده پیام را فقط به ابزارهای الکترونیک منحصر نکرده است و هر ابزاری هم‌چون پوشه‌های تصویری و صوتی، تلگرام و ابزارهای نوری را هم دلیل الکترونیک می‌داند. فقیهان و دانشمندان اسلامی، این مسئله را فقط وقتی می‌پذیرند و آن را دارای اعتبار و حجت می‌دانند که سند و نوشته دارای امضا یا مهر باشد و به طریقی مطمئن، مصون از تغییرات بماند و صادرکننده آن بر پذیرش مندرجات مسلم باشد و هم‌چنین موجب علم قاضی گردد. از سوی دیگر، در دادرسی اداری نیز امکان اعمال ادله الکترونیک قابل بحث و بررسی است. با توجه به نوپا بودن دادرسی اداری در حقوق ایران و ویژگی‌های خاص آن به نظر می‌رسد استفاده از این ادله در دادرسی اداری نیز جای بحث و بررسی دارد. پرسش اصلی این پژوهش آن است که استناد به ادله الکترونیک در دادرسی‌های مدنی و اداری چه گونه است؟ روش تحقیق در این پژوهش از نوع توصیفی - تحلیلی است و در گردآوری منابع از روش کتابخانه‌ای استفاده شده است.

**کلیدواژه‌ها:** ادله الکترونیکی، دادرسی اداری، دادرسی مدنی، فقه، ادله اثبات دعوا.

\*. دانشجوی دکتری حقوق خصوصی، واحد ساری، دانشگاه آزاد اسلامی، ساری، ایران .

hamidrezaa515@gmail.com

\*\* . استادیار گروه حقوق، واحد ساری، دانشگاه آزاد اسلامی، ساری، ایران. (نویسنده مسئول).

hamid.abhary@gmail.com

\*\*\*. استادیار گروه حقوق خصوصی، جویبار، دانشگاه آزاد اسلامی، جویبار، ایران .

a.moghaddari@gmail.com

## مقدمه

امروزه پیشرفت علم و تکنولوژی، تأثیر انکارناپذیر خود را در حوزه قضا، اثبات دعاوی و جرایم، همانند دیگر حوزه‌ها به ویژه در نظامات حقوقی کشورهای توسعه‌یافته و صنعتی بر جای نهاده است. متناسب با تغییر شکل و ماهیت جرایم و مسئولیت‌های مدنی و نوع معاملات و قراردادهای تجاری، حتی در عقود و ایقاعات ناظر بر احوال شخصیه، ادله قابل استناد در شکایات کیفری و دعاوی حقوقی نیز نسبت به زمان‌های گذشته کاملاً دگرگون شده است. برخی جرایم مثل جرایم سایبری که ناشی از پیشرفت صنعتی و اقتصادی در گذر زمان است، در صدر اسلام موضوعیت نداشته است تا حکم فقه و حقوقی آن از طرف حاکم شرع آمده باشد؛ تا چه رسد به این که حاکم شرع در مورد شیوه تحصیل دلیل این جرایم، قانون وضع کرده باشد. با وجود این، از میان قواعد متعدد فقه می‌توان به قاعده لاضرر به صورت غیر مستقیم به مبانی فقه و ضرورت وضع قواعدی در مورد تحصیل دلیل در فضای سایبر پی برد.<sup>۱</sup> دلیل الکترونیکی در معنی رایج و مصطلح عبارت است از هر ادله پیامی که اصحاب دعوا برای اثبات یا دفاع از مدعای خود به آن استناد می‌کنند.<sup>۲</sup>

در قرن اخیر، ظهور فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی و استفاده از ابزارهای جدید در تولید، انتقال و ذخیره اطلاعات موجب ایجاد نوع جدید دلیل با ماهیتی متفاوت به نام «دلیل الکترونیک» شده است. با تصویب قانون تجارت الکترونیک، این نوع دلایل به عنوان نوع جدید دلیل در کنار دلیل سنتی در نظام ادله اثبات دعوا معتبر شمرده می‌شوند و دارای ارزش اثباتی هستند.<sup>۳</sup> این قانون بر اساس قانون نمونه آنسیترال در خصوص تجارت الکترونیک و با عنایت به قانون نمونه امضای الکترونیک وضع شده است. سپس با تأسیس مرکز صدور گواهی دیجیتال در آذر ۱۳۸۵، گام بلندی به سوی اطمینان‌بخشی دلیل الکترونیک برداشته شد.

در خصوص اعتبار ادله الکترونیک با توجه به قانون تجارت الکترونیک (۱۳۸۲) و بیان قانون‌گذار، اتفاق نظر وجود دارد، ولی چگونگی رسیدگی به صحت و اصالت اسناد و ادله الکترونیک، رسیدگی پرونده‌های حقوقی را با توجه به این اسناد و ادله با چالش روبه‌رو می‌سازد. از این رو، با توجه به سکوت قانون‌گذار، دادگاهها باید با صدور آرای قضایی با استناد به ادله الکترونیک، «آیین رسیدگی به ادله الکترونیک» را نیز ابداع و نهادینه کنند.

۱. داورپناه، نسیم، «اصول و مبانی حاکم بر نحوه تحصیل دلیل در فضای سایبر»، پایان‌نامه کارشناسی

ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکزی، ۱۳۹۳، ص ۱۹.

۲. شهبازی‌نیا، مرتضی و محبوبه عبداللهی، «دلیل الکترونیک در نظام ادله اثبات دعوا»، فصل‌نامه

حقوق، ۱۳۸۹، دوره چهارم، شماره ۴، ص ۲۰۸.

۳. همان، ص ۱۹۴.

سکوت قانون‌گذار در آیین رسیدگی به ادله الکترونیکی، نشان از درماندگی او نیست، بلکه تدوین آن را به دادگاه یا رویه قضایی واگذار کرده است، به طوری که ادله الکترونیکی موضوعیت دارد و راههای اثبات آن طریقت دارد. با این حال، وقتی آرای قضایی را بنگریم، درمی‌یابیم که قضات به استناد و اعتباربخشی به ادله الکترونیکی تمایل ندارند و همچنان بر مبنای آرای قضایی و ادله سنتی حکم صادر می‌کنند. با توجه به رشد و گسترش فضای اقتصادی به صورت مجازی و پیشرفت فضای کسب و کار الکترونیکی، احقاق حق و اجرای عدالت بیش از پیش با چالش روبه‌رو خواهد شد. از این رو، بررسی جایگاه و نقش ادله الکترونیکی در اثبات دعوای حقوقی از موضوعاتی است که محل بحث و بررسی دارد. پذیرش و کاربست این دلایل در حوزه دادرسی‌های مدنی و کیفری پذیرفته شده است، اما در حوزه دادرسی اداری، از مسائل جدید محسوب می‌شود که شایسته بررسی و تحلیل است.

آیین دادرسی اداری در نظام حقوقی ایران، مانند دیگر نظام‌ها اصولاً در بستر حقوق عمومی شکل گرفته است. دادرسی اداری را نمی‌توان واجد ماهیت صرف حقوق عمومی دانست. در اموری، همان دادرسی مدنی بر دعاوی علیه اداره‌ها حاکم است و در بیش‌تر امور، هویت خاص خود را دارد. دادرسی اداری در مسائلی، تابع تصمیم مرجع عالی قضایی و در بسیاری شکایات‌ها، رسیدگی مبتنی بر آیین دادرسی اداری است.<sup>۱</sup>

با این وجود، شیوه رسیدگی مراجع شبه‌قضایی و در واقع، چگونگی بهره‌برداری از دلایل و جریان رسیدگی و ملاحظات خاص، با آیین دادرسی مراجع عمومی متفاوت است. در رسیدگی شبه‌قضایی، اعضای مراجع اختصاصی اداری، اساساً به ادله اثبات دعوا - به صورتی که قانون آیین دادرسی مدنی برشمرده است - مقید و محدود نیستند. دادرسان اداری از تمامی راه‌ها و روش‌هایی که لازم بدانند، برای کشف واقعیت، ریشه‌یابی علل تعارض و رسیدن به تصمیم صحیح می‌کوشند. پس علاوه بر ملاحظه و ارزیابی ادله و مستندات سنتی اثبات دعوا، از تمامی ابزارها، روش‌های نوین و قراین و شواهدی استفاده می‌کنند که بتواند موضوع متنازع‌فیه را روشن و شفاف سازد. برخلاف دادرسان عمومی که از تحصیل دلیل ممنوع شده‌اند، برای دادرسان اداری اساساً چنین ممنوعیتی وجود ندارد، بلکه بر عکس، دادرسان اداری تمام تلاش خود را برای تحصیل و اکتساب دلایل و مستندات به کار می‌برند تا حقایق موضوع مورد اختلاف برای آن‌ها روشن شود.<sup>۲</sup>

ادله اثبات، یکی از مهم‌ترین بخش‌های هر رویه اداری است. قانون آیین دادرسی اداری

۱. سوادکوه، سام، «آیین دادرسی اداری در تشکیلات قضایی جمهوری اسلامی ایران»، پژوهش‌نامه حقوق خصوصی، ۱۳۹۱، سال اول، شماره ۱، ص ۱۱.

۲. هداوند، مهدی و مسلم آقایی طوق، دادگاه‌های اختصاصی اداری در پرتو اصول دادرسی عادلانه و آیین‌های دادرسی منصفانه، تهران: خرسندی، ۱۳۸۹، ص ۱۲۶.

جمهوری چک، شامل مقررات اساسی در خصوص ادله اثبات دعواست. این قانون، در مورد دیگر ادله اثبات دعوا و شیوه اجرای آن‌ها سکوت کرده است. با این وجود، در موارد بسیاری، مقامات اداری باید از ادله اثباتی دیگری به ویژه اثبات از طریق ضبط سمعی و بصری یا اثبات محتوای وبسایت‌ها استفاده کنند. در حال حاضر، چون سازمان‌ها، دوره‌ای از رشد سریع فناوری را تجربه می‌کنند، ضبط صوتی و تصویری به یکی از ابزارهای مهم تبدیل شده است. رویه اداری چک به پذیرش این موارد به عنوان دلیل اثبات دعوا تمایل دارد. البته یکی از مشکلات اساسی، حفظ حریم خصوصی اشخاص است. بنابراین، اطلاعاتی مانند سیستم‌های دوربین مداربسته و ضبط‌های انجام‌شده روی تلفن همراه در صورتی قابل پذیرش هستند که منافع عمومی بر منافع خصوصی ارجحیت داشته باشد.<sup>۱</sup>

تحصیل دلیل در دادرسی اداری در دعاوی شهروندان علیه دستگاه اداری از دغدغه‌هایی مانند حکومت قانون، تلاش برای احقاق حقوق مردم و تلاش برای کشف حقیقت ناشی می‌شود. دعوای اداری، واجد خصیصه‌های دعوای خصوصی و همچنین برخی خصیصه‌های دعوای عمومی است. از این رو، در دادرسی اداری، بحث بی‌طرفی قاضی و نقش اصحاب دعوا در ارائه دلیل مطرح می‌گردد. پرسش‌هایی نیز درباره حدود اختیارات قاضی اداری در تحصیل دلیل مطرح است. باید گفت قاعده کلی در دادرسی به معنای عام، بی‌طرفی قاضی و الزام طرفین اختلاف به تحصیل و ارائه دلیل است.<sup>۲</sup>

بنابراین، به نظر می‌رسد تحصیل دلیل در فرآیند دادرسی‌های مدنی و کیفری از شیوه‌ای متفاوت پیروی می‌کنند و با توجه به نابرابر بودن رابطه طرفین در دادرسی اداری، تحصیل دلیل، تابع نظام آزاد است و دادرسی اداری یا دادستان اداری در مقام کشف حقیقت، مجاز به استفاده از ادله الکترونیکی است. پرسش اصلی در این پژوهش، بررسی امکان‌سنجی استفاده از ادله الکترونیکی در دادرسی اداری و مدنی است. روش تحقیق از نوع توصیفی - تحلیلی است و در گردآوری منابع از روش کتابخانه‌ای استفاده شده است.

## گفتار اول. مفهوم ادله الکترونیکی

دلیل الکترونیکی، هر نوع اطلاعاتی تعریف شده که در قالب دیجیتالی ایجاد یا ذخیره شده است، خواه از رایانه برای انجام کاری استفاده شده یا این‌که به طور خودکار عمل

1-Frumarová, Kateřina, "Evidence in administrative proceedings - proof by audio-visual record, proof by the content of the website and other means of proof lacking explicit regulation in the Code of Administrative Procedure", *Institutiones Administrationis-Journal of Administrative Sciences*, 2022, Vol. 2, No. 1, 132-143, DOI:10.54201/iajas.v2i1.31, p. 135

۲. قمری، اسماعیل و همکاران، «تحلیلی بر اعمال قاعده مشروعیت تحصیل دلیل در دادرسی اداری»، فصل‌نامه حقوق اداری، ۱۳۹۹، سال هشتم، شماره ۲۴، ص ۱۲۳.

کرده باشد. بنابراین، دلیل الکترونیکی می‌تواند محصول وضعیت‌های مختلف باشد. شخصی، داده‌ای را به رایانه وارد سازد، رایانه به درخواست کاربر، عملیاتی را انجام دهد یا این که به طور خودکار، اطلاعاتی را به کار ببرد یا آن‌ها را پردازش کند. از این رو، ادله الکترونیکی شامل پایگاه‌های داده، سیستم‌های عامل برنامه‌های رایانه‌ای، مدل‌های ایجادشده توسط رایانه، پیام‌ها و سوابق الکترونیکی و صوتی و هر نوع اطلاعات یا دستورهایی است که در حافظه رایانه ذخیره یا از طریق سامانه‌های رایانه‌ای یا مخابراتی، مبادله، پردازش، بازیافت یا تولید می‌شود.<sup>۱</sup>

قانون‌گذار تنها به محتوای داده پیام توجه کرده است.<sup>۲</sup> دلیل الکترونیکی در معنی اصطلاحی خود عبارت است از هر داده پیامی که اصحاب دعوا برای اثبات یا دفاع از مدعای خود به آن استناد می‌کنند.<sup>۳</sup> در این تعریف، ادله الکترونیکی با واژه «داده پیام» تعریف شده است که شرح آن در ماده ۲ قانون تجارت الکترونیک آمده است. قانون‌گذار با الهام از قانون نمونه تجارت الکترونیک آنسیترا، قانون تجارت الکترونیک و ماده ۴۷ آیین‌نامه استنادپذیری ادله الکترونیک (۱۳۹۳)، داده پیام را تنها منحصر به ابزارهای الکترونیکی نکرده است. بنابراین، هر ابزاری اعم از تلگرام، تلکس، ابزارهای نوری و دیگر ابزارهای ناشی از فناوری اطلاعات همانند پوشه‌های صوتی و تصویری نیز دلیل الکترونیکی محسوب می‌شوند و قالب ادله الکترونیک موضوعیت ندارد. در واقع، دلیل الکترونیک، هر داده پیامی است که اصحاب دعوا برای اثبات یا دفاع از دعوا به آن استناد کنند. با توجه به تعریف داده پیام مندرج در بند الف ماده ۲ قانون تجارت الکترونیک، دلیل الکترونیکی، هر نمادی از واقعه، اطلاعات یا مفهوم است که با وسایل الکترونیک، نوری یا فناوری‌های جدید اطلاعات، تولید، ارسال، دریافت، ذخیره یا پردازش می‌شود و اصحاب دعوا برای اثبات یا دفاع از دعوا به آن استناد می‌کنند.<sup>۴</sup>

با توجه به تعریف وسیع و پویا که قانون تجارت الکترونیک از داده پیام ارائه کرده است، نه تنها ابزارهای الکترونیکی، بلکه تمام ابزارهای موجود از قبیل تلگرام، ابزارهای دیجیتالی،<sup>۵</sup>

۱. فوقانی، هادی، «قابلیت استناد به ادله الکترونیک با نگاه به آرای قضایی: انواع ادله الکترونیک و ارزش اثباتی آن‌ها»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی، ۱۳۹۵، ص ۵۷.

۲. محمدی گیلکجانی، امیر، «بررسی فقهی - حقوقی ادله الکترونیکی در حقوق کیفری ایران»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه محدث نوری، ۱۳۹۵، ص ۱۵۳.

۳. شهبازی‌نیا، مرتضی، «احراز اصالت در اسناد الکترونیکی»، مجله مدرس علوم انسانی - پژوهش‌های حقوق تطبیقی، ۱۳۸۸، شماره ۴ (پیاپی ۶۳)، ص ۲۰۸.

۴. همان، ص ۱۹۴.

مغناطیسی،<sup>۱</sup> نوری،<sup>۲</sup> الکترومغناطیسی<sup>۳</sup> و دیگر ابزارهای ناشی از فناوری که در آینده به وجود خواهند آمد، می‌توانند منشأ ایجاد دلیل الکترونیکی باشند.<sup>۴</sup>

به این ترتیب، پایگاه‌های اطلاعاتی، سیستم‌های اجرایی، برنامه‌های کاربردی، مدل‌های تولیدشده رایانه‌ای، پیام‌های پستی صوتی یا الکترونیک، تمامی اطلاعات ذخیره‌شده در حافظه رایانه، گزارشی از تراکنش‌های سیستم الکترونیک، برنامه‌های صفحه گسترده، نسخه‌های چاپی رایانه‌ای و پوشه‌های صوتی یا تصویری دیجیتال، نوعی دلیل الکترونیکی هستند.<sup>۵</sup>

دلیل الکترونیکی در هر قالبی صرف نظر از محتوا قابلیت ظهور دارد. هر چند قانون‌گذار در این قانون، تنها به ادله‌ای چون امضای الکترونیک، داده پیام‌های عادی و داده پیام‌های مطمئن اشاره کرده است، ولی این امر، نافی دیگر ادله الکترونیکی نیست و ماده ۱۳ و ۱۴ قانون تجارت الکترونیکی نیز صحت این مدعا را تأیید می‌کند. از این رو، تفسیر صرف ادله الکترونیک به اسناد الکترونیک صحیح نیست و سند الکترونیک تنها یک بخش از اسناد الکترونیک به حساب می‌آید و دامنه اسناد الکترونیک اعم از سند در معنای مصطلح و غیر آن است.<sup>۶</sup>

## گفتار دوم. اعتبار ادله الکترونیکی در دادرسی اداری

دادرسی اداری در کنار دادرسی کیفری و مدنی، نوع سومی از دادرسی‌ها را در حقوق ایران تشکیل می‌دهد که به نسبت دو نوع دیگر، سابقه کمی دارد. دلیل این امر نیز به نوبه و جدید بودن حقوق اداری و دادرسی اداری مربوط می‌شود. با توجه به ویژگی‌های خاص دادرسی اداری و وجود دولت در یک طرف این رابطه به عنوان طرف قوی‌تر باید دید دادرسی اداری در مقام تحصیل دلیل، مجاز به استفاده از ادله الکترونیک هست یا خیر؟

### بند اول. مفهوم دادرسی اداری

حقوق عمومی، ساختار و ماهیت حقوقی متفاوتی از حقوق خصوصی دارد و به اصول و قواعد حقوقی خاصی نیاز دارد. دادگاه‌های اداری نیز ماهیت متفاوتی با دادگاه‌های حقوقی و کیفری دارند و دادرسی اداری، قواعد ویژه‌ای را می‌طلبد؛ زیرا نابرابری بین روابط مردم و

1-Magnetic.

2-Optical.

3-Electromagnetic.

4-Wang, Minyan, «The Impact of Information Technology Development», Journal of Law and Technology, 2006, Vol. 15, No. 3, p. 5

۵. شهبازی‌نیا، ص ۱۹۵.

۶. مؤذن‌زادگان، حسن‌علی، الهام سلیمان دهکردی و مهشید یوشی، «حفظ صحت و استنادپذیری ادله الکترونیک با استفاده از بیومتریک و رمزنگاری»، کتاب حقوق کیفری، ۱۳۹۴، شماره ۱۲، صص ۷۲-۷۳.

دولت به لحاظ قدرت وجود دارد. دولت، حاکم است و به منظور خدمات‌رسانی عمومی به دادرسی مطلوب نیاز دارد که متشکل از اصول دادرسی و تشریفات دادرسی اداری هم‌چون اصل علنی بودن، اصل کتبی بودن، اصل دفاع و آزادی است. حق برخورداری از دادرسی منصفانه، آیین دادرسی را دارای دو جلوه متناقض کرده است. اولی، وصف انتزاعی بودن دادرسی در برخی قواعد شکلی و آیین پراکنده است و دوم، رعایت این حق در همه دعاوی اعم از کیفری، مدنی و اداری.<sup>۱</sup>

بدیهی است برای تحقق عدالت در جامعه، قانون‌مند بودن رابطه حکومت و مردم ضروری است. دادرسی اداری، یکی از راه‌های تضمین قانون‌مندی این رابطه، اعطای حق شکایت و دادخواه از اعمال و تصمیمات مقامات اداری و دولتی به شهروندان است. با وجود شباهت‌ها و واحد بودن آیین دادرسی اداری با آیین دادرسی مدنی و کیفری، در برخی موارد، تفاوت‌هایی بین این دو روش وجود دارد، به گونه‌ای که این تفاوت‌ها موجب می‌گردد تا نتوانیم آیین دادرسی اداری را به دیگر آیین‌های دادرسی یادشده تسری دهیم.<sup>۲</sup>

دادرسی در حقوق ایرانی، مفهومی است که برای تفکیک نوعی دادرسی از دادرسی‌های مدنی و کیفری استفاده می‌شود که هم مراجع رسیدگی‌کننده و هم نوع دعوا را مشخص می‌کند. دادرسی اداری به مفهوم عام آن شامل دادرسی در دیوان عدالت اداری و مراجع شبه‌قضایی و مقامات اداری می‌شود. پس به آیین رسیدگی در دیوان عدالت اداری محدود نیست. دادرسی اداری در حقوق ایران به مفهوم فرآیند رسیدگی به نوعی از دعاوی طبق یک قانون خاص نیست، بلکه مفهومی اعتباری است که برای رسیدگی در مراجع شبه‌قضایی و دیوان عدالت اداری به کار می‌رود. پس این مفهوم را نباید به منزله وجود قانون خاصی با این عنوان تلقی کرد، بلکه مجموعه‌ای از مقررات مربوط به مراجع یادشده را دربرمی‌گیرد. دادرسی اداری، اصولاً دادرسی بر اداره است، اعم از این‌که تصمیم اداره به صورت عمل اداری قابل رسیدگی در شبه‌قضایی باشد یا این‌که به اعمال اداره حتی به صورت تصمیم بخشی از آن در قالب عمل شبه‌قضایی به علاوه تصمیمات موردی اداری و تصمیمات عام‌الشمول در دیوان عدالت اداری رسیدگی شود.<sup>۳</sup>

۱. یآوری، اسدالله، «حق برخورداری از دادرسی منصفانه و آیین دادرسی نوین»، فصل‌نامه حقوق اساسی، ۱۳۸۳، شماره ۲، ص ۲۵۵.

۲. رضوی، سید مهدی و همکاران، «تحصیل دلیل در دادرسی اداری در پرتو حمایت از حقوق شهروندان»، فصل‌نامه پژوهش‌های نوین حقوق اداری، انتشار آن‌لاین: ۱۴۰۱، ص ۵.

۳. استوارسنگری، کوروش، «چیستی دادرسی اداری در ایران: دادرسی در اداره یا دادرسی بر اداره؟»، مجله پژوهش‌های نوین حقوق اداری، ۱۳۹۹، دوره ۲، شماره ۴، ص ۱۵۷.

از سوی دیگر، دادرسی اداری در نظام حقوقی ایران، آیین دادرسی شفاف ندارد. مراجع اداری دارای آیین دادرسی واحد نیستند. در برخی موارد، صرفاً در قانون تأسیس آن‌ها به ترکیب و صلاحیت مرجع اشاره شده و هیچ مقرره‌ای در خصوص مسائل شکلی و آیین دادرسی آن‌ها بیان نشده است.<sup>۱</sup>

دادرسی در نظام حقوقی ایران از یک سو، شبیه نظام حقوقی انگلیسی و از سوی دیگر، با وجود دیوان عدالت اداری، شبیه نظام حقوقی فرانسه است، اما هیچ یک از محاسن دو نظام را در خود جمع نکرده است. دیوان‌های اداری در ایران، آمیزه‌ای از سیستم فرانسوی و انگلیسی هستند که مزایای هیچ یک از دو سیستم را ندارند؛ زیرا هر کدام از این سیستم‌ها با توجه به رویکرد خود در باب نظریه دولت، تفکیک قوا و مبانی حقوق اداری و هم‌چنین تاریخ خود، مسیری متفاوت در باب دادرسی اداری اختصاصی پیش گرفته‌اند.<sup>۲</sup>

### بند دوم. مبانی پذیرش ادله الکترونیک در دادرسی اداری

با عنایت به ویژگی‌های خاص دادرسی اداری در نظام حقوقی باید دید استفاده از این ادله در این نوع از دادرسی‌ها با کدام مبانی قابل پذیرش است.

#### الف) پذیرش نظام ادله آزاد در دادرسی اداری

صاحب‌نظران در حوزه حقوق خصوصی و آیین دادرسی مدنی بر این باورند که به منظور حفظ بی‌طرفی دادرس در حل و فصل اختلافات مدنی، دادرس نباید اجازه داشته باشد به تحصیل دلیل برای هر یک از طرفین اختلاف بپردازد.<sup>۳</sup> در یک دادرسی، قاضی اهمیت کلیدی دارد و در یک آیین دادرسی خوب انتظار می‌رود که افراد متخصص به دعاوی رسیدگی کنند. یکی از مشکلات موجود در نظام حقوقی ایران، وجود قضات نامتخصص در اکثریت دادگاه‌هاست.<sup>۴</sup> در دیوان عدالت اداری، بحث مشروعیت تحصیل دلیل در دو دسته از دعاوی مجزا که در صلاحیت دیوان قرار دارد، مطرح می‌گردد. در اینگونه دعاوی شخص به خواسته مطالبه حق خود، طرح دعوا می‌کند. طبق مواد

۱. فتحی، یونس و همکاران، «نظام مطلوب دادرسی اداری در ایران»، فصل‌نامه پژوهش‌های نوین حقوق اداری، ۱۳۹۸، سال اول، شماره ۱، ص ۸۰.

۲. مرادخانی، فردین، «دادگاه‌های اداری در ایران: ابهام در مبانی، سردرگمی در عمل»، حقوق اساسی، ۱۳۹۳، شماره ۲۲، ص ۴۰.

۳. کانونیان، ناصر، اثبات و دلیل اثبات (جلد ۱)، تهران: میزان، ۱۳۹۲، ص ۱۰۸.

۴. مرادخانی، فردین، «عدم استقلال آیین دادرسی اداری در چارچوب قانون دیوان عدالت اداری»، مجله فقه و حقوق اسلامی، ۱۳۹۶، سال هشتم، شماره ۱۵، ص ۱۲۶.



۱۷ و ۵۳ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری (۱۳۹۲) وجود ذی‌نفع ضروری است و طبیعتاً هم ذی‌نفع باید دلیل ارائه دهد. به همین جهت، در بند (ج) ماده ۱۸ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری (۱۳۹۲) مقرر شده است که شاکی باید مدارک و دلایل مورد استناد خود را در دادخواست ذکر کند. بنابراین، تحصیل و ارائه دلیل بر عهده شاکی است. در ماده ۴۱ قانون یادشده، این اختیار به شعبه رسیدگی کننده داده شده است که «هر گونه تحقیق یا اقدامی را که لازم بداند، انجام دهد». این امر در راستای جبران برتری اداره نسبت به شهروند در دادرسی اداری مصوب شده است.

در مراجع اداری، رسیدگی به تخلفات قضایی نقش فعالی در تحصیل دلیل دارد و مشابه دادرسی کیفری، تحصیل دلیل بر عهده دادرسی اداری است. از این رو، مقام تحقیق در هیئت‌های رسیدگی به تخلفات پیش‌بینی شده است. ماده ۵ قانون رسیدگی به تخلفات اداری، هیئتی را برای انجام تحقیقات و جمع‌آوری ادله پیش‌بینی کرده است. در ماده ۱۲ قانون مقررات انتظامی اعضای هیئت علمی (۱۳۶۴) نیز مقام تحقیق، یکی از اعضای هیئت علمی یا از کارکنان دانشگاه است.<sup>۱</sup>

با توجه به ویژگی‌های خاص دعاوی اداری، نظام حقوقی بسیاری از کشورها دارای صلاحیت‌های شبه‌قضایی هستند که به تدریج، به سمت استقلال نسبی حرکت کرده است. همین استقلال نسبی در بیش‌تر موارد سبب شده است به حقوق شهروند در مقابل اداره توجه کافی صورت نگیرد.<sup>۲</sup> جست‌وجوی حقیقت در موضوعات متنازع‌فیه چنان بخش واقعی از نقش دادگاه است که به بیان صریح آن در قانون نیازی نیست.<sup>۳</sup>

ماده ۱۹۹ قانون آیین دادرسی مدنی، اجازه تحقیق از سوی قاضی را بدون درخواست طرفین می‌دهد. با این حال، حقوق‌دانان حقوق خصوصی تلاش کرده‌اند که اختیار قاضی را در این مورد به صورت مضیق تفسیر کنند. این قاعده به شکل دیگری در دادرسی اداری مطرح می‌شود؛ زیرا بر خلاف دادرسی مدنی، در دادرسی اداری (همانند دادرسی کیفری)، بحث نفع عمومی وجود دارد. بنابراین، قاضی باید بتواند نقش فعالی در تحصیل دلیل داشته باشد. با این وجود، در دادرسی اداری نیز باید بین دعاوی اداری مربوط به حل و فصل اختلافات و دعاوی مربوط به رسیدگی به تخلفات انتظامی قائل به تفکیک شد.

در نوع اول از دادرسی اداری، علی‌الاصول تحصیل و ارائه دلیل از وظایف طرفین اختلاف

۱. قمری و همکاران، پیشین، ص ۱۲.

۲. رستمی، ولی و احمد خسروی، «امکان‌سنجی تدوین قانون آیین دادرسی اداری (با توجه به ماهیت و ویژگی‌های مراجع اختصاصی اداری)»، فصل‌نامه دیدگاه‌های حقوق قضایی، ۱۳۹۲، شماره ۶۴، ص ۲۰۲.

3-Jolowicz, J. A., Adversarial and Inquisitorial models of Civil Procedure International and Comparative Law quarterly, 2003, Available at: WWW.Jstor.org/PSS/3663 110 2011/1/10

است، اما در دادرسی اداری در شکل دوم، قاضی نقش فعالی در تحصیل دلیل برای محکومیت انتظامی دارد. در دیوان عدالت اداری، بحث مشروعیت تحصیل دلیل در دو دسته از دعاوی مجزا که در صلاحیت دیوان قرار دارد، مطرح می‌گردد. نخست، دعاوی که برای احقاق حق شاکی خصوصی انجام می‌گیرد که در آن، شاکی علیه اداره دولتی به خواسته مطالبه حق خود طرح دعوا می‌کند. در این نوع دعاوی، طبق مواد ۱۷ و ۵۳ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری، وجود ذی‌نفع ضروری است و به طور طبیعی، ذی‌نفع باید دلیل ارائه دهد. از این رو، مقرر شده است که شاکی باید مدارک و دلایل مورد استناد خود را در دادخواست ذکر کند. بنابراین، تحصیل دلیل و ارائه دلیل بر عهده ذی‌نفع است.<sup>۱</sup>

دو شیوه اصلی اثبات دعوا عبارتند از: شیوه آزاد و شیوه قانونی. برخی نظام‌های حقوقی نیز از ترکیب این دو روش استفاده می‌کنند. هدف در نظام آزاد اثبات دعوا، قناعت وجدان دادرس و راه‌یابی به واقع به هر وسیله مقتضی است. به عبارت دیگر، مدعی هیچ قید و محدودیتی برای اقامه دلیل ندارد و می‌تواند به هر وسیله معقول برای اقناع دادرس توسل جوید. در شیوه قانونی برای اثبات هر رویداد، دلایلی ویژه در قانون پیش‌بینی شده است و دو طرف دعوا ناگزیرند برای اثبات ادعا یا دفاع به همان دلایل قانونی استناد کنند. یکی از ویژگی‌های نظام قانونی، تفصیل ادله و توان اثباتی آن‌ها در قوانین است.<sup>۲</sup>

لزوم تسریع در رسیدگی اداری، ضرورت استفاده از آیین دادرسی خاصی را توجیه می‌کند. به طوری که مقررات پیچیده، طولانی و مزاحم، مانع رسیدگی عادلانه نشود و فارغ از تشریفات غیر ضروری و دست و پا گیر بتوان به احقاق حقوق شهروندان در دادرسی اداری پرداخت.<sup>۳</sup> پیشرفت علوم و منابع اطلاعاتی باعث شده است که حتی در آیین دادرسی مدنی، تحولی چشم‌گیر به سوی آزادی دلیل و تکیه بر اقناع دادرس رخ دهد، به طوری که امروزه کارشناسی و امارات قضایی چنان فزونی یافته است که دیگر از دلایل قانونی باید به عنوان استثنا یاد کرد و کفه ترازو به سود آزادی اثبات و تحقق عدالت سنگینی می‌کند. ادله اثبات دعوا را به دشواری می‌توان در چند مورد محصور کرد؛ زیرا پیشرفت علوم و صنایع، هر روز، وسیله‌ای تازه برای دستیابی به حقیقت ابداع می‌کند. بسیاری از افراد، توانایی و دانش محدودی برای ارائه دلیل دارند. برای نمونه، در دعاوی علیه تأمین اجتماعی، بیش‌تر شاکیان از نظر اقتصادی ضعیف هستند و دانش لازم را برای استفاده از قواعد حقوقی ندارند.

۱. قمری و همکاران، پیشین، ص ۱۱۵.

۲. کاتوزیان، پیشین، ص ۲۵.

۳. صدرالحفاظی، سید نصرالله، نظارت قضایی بر اعمال دولت در دیوان عدالت اداری، تهران: شهریار،

۱۳۷۲، ص ۴۶۷.

در نتیجه، در برابر طرف دیگر، آسیب‌پذیرند. بنابراین، باید امکان ارائه ادله منطقی و عقلایی به طور شفاهی و کتبی برای شهروندان میسر باشد.

با عنایت به اهداف دادرسی اداری که تظلم‌خواهی شهروندان و تحقق حاکمیت قانون در اداره است، نظام اثبات دعوا و پذیرش دلیل باید به گونه‌ای در قانون پیش‌بینی شود که مانعی برای احقاق حقوق اشخاص به ویژه اشخاص ضعیف و آسیب‌پذیر وجود نداشته باشد. نظام آزاد اثبات دعوا، اختیارات قابل توجهی را به قضات برای ارزیابی ادله اعطا می‌کند. از این رو، ضرورت دارد به دانش و استقلال دادرسان اداری توجهی ویژه کنیم. به تعبیر دیگر، نظام آزاد ادله مستلزم برخورداری از قضاتی مستقل، آموزش‌دیده و متخصص در زمینه حقوق اداری و به ویژه مسائل حقوق اداری و دعاوی اداری است. در غیر این صورت، موجب سوء استفاده آن‌ها از اختیارات خود می‌شود و در نهایت، ضمن تضییع حق‌ها و آزادی‌های شهروندان سبب بی‌اعتمادی اشخاص به دادرسی اداری می‌گردد.<sup>۱</sup>

بنابراین، با عنایت به ویژگی خاص دادرسی اداری، حداقل از لحاظ نظری، نظام آزاد ادله اثبات، بیش‌تر با مبانی نظارت قضایی توسط دادرسان اداری، هم‌خوانی و مطابقت دارد. با توجه به نوع و اختیارات دادرسان اداری در مقام کشف حقیقت، استفاده از ادله الکترونیک در دادرسی‌های اداری با مبانی نظام دست‌یابی به ادله آزاد هم‌خوانی و مطابقت دارد.

### ب) استفاده از ادله الکترونیک؛ پیش‌زمینه تحقق دادرسی الکترونیک

نظام قضایی در خدمات‌رسانی الکترونیک از دیگر سازمان‌های دولتی مستثنا نیست. فناوری اطلاعات در حوزه قضایی، محیط دادرسی را دگرگون کرده است که به آن، دادرسی الکترونیک گفته می‌شود. الکترونیک شدن فرآیندهای قضایی چنان اهمیتی دارد که در تدبیر شماره ۴۲ پیش‌نویس سند الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت که به نظام قضایی اشاره دارد، الکترونیک کردن فرآیندهای دادرسی را یکی از ابزارهای تحول در نظام قضایی معرفی کرده است. از طرفی، در اجرای بند ۶ سیاست‌های کلی قضایی پنج‌ساله ابلاغی ۱۳۸۸/۹/۱ و بند ج ماده ۴۸ قانون برنامه پنجم توسعه پیشرفت کشور و بند ج ماده ۱۱ قانون ارتقای سلامت نظام اداری و رو به رو شدن با فساد (۱۳۹۰) و برای برطرف کردن اطاله دادرسی، تسریع در امور جاری محاکم و پیش‌گیری از وقوع جرم، خدمات قضایی در فضای مجازی ارائه می‌گردد.<sup>۲</sup>

۱. زارعی، محمدحسین و آریتا محسن‌زاده، «نظام اثبات دعوا در دادرسی اداری»، فصل‌نامه دیدگاه‌های حقوق قضایی، ۱۳۹۴، شماره ۷۲، ص ۷۶.

۲. عباسی، رسول و همکاران، «کیفیت خدمات الکترونیک قضایی و اعتماد شهروندان»، فصل‌نامه حقوق اداری، ۱۴۰۰، سال نهم، شماره ۲۸، ص ۱۳۸.

دادرسی الکترونیکی، بهره‌برداری از ابزارها و روش‌های الکترونیکی ارتباطی و اطلاعاتی برای طرح دعوا در دادگاه و انجام فرآیند دادرسی از تسلیم دادخواست، شکواییه و ابلاغ اوراق قضایی تا رسیدگی به دعوا و دلایل و صدور رأی و اجرای آن است. دادرسی الکترونیکی به معنای استفاده از سیستم الکترونیکی و انجام فعالیت‌ها به روشی غیر از روش سنتی است. اصطلاح «دادرسی الکترونیکی» به نوع متفاوتی از رسیدگی ماهیتی یا به نوع متفاوتی از عدالت اشاره ندارد، بلکه منظور، توان قضایی اثبات است که دادگاه‌ها از ابزارهای نوین در رسیدگی‌های قضایی خود استفاده می‌کنند.<sup>۱</sup>

دادرسی الکترونیکی در ایران با چالش‌های فنی و اجرایی متعددی روبه‌روست. تا کنون دادگاه الکترونیکی به صورت سراسری و فراگیر به علت فراهم نبودن زیرساخت‌ها یا بستر مناسب ایجاد نشده است. قوه قضاییه به منظور اجرای دادگاه الکترونیکی با مشکلاتی نظیر کمبود آگاهی و آموزشی همگانی، مسائل ساختاری، نبود امنیت لازم و نبود دسترسی به اینترنت پرسرعت مواجه است.<sup>۲</sup>

در حال حاضر، دیوان عدالت اداری با راه‌اندازی سامانه‌ای با عنوان سامانه «ساجد»، به تقاضاهای مربوط به اعمال ماده ۷۹ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری را به صورت کامل از طریق این سامانه و به صورت الکترونیکی رسیدگی می‌کند. متقاضی اعمال ماده ۷۹ از طریق ثبت نام در سامانه ساجد و ایجاد صفحه اختصاصی، تقاضا را ثبت و مدارک و مستندات خود را بارگذاری می‌کند. پیش‌بینی و ایجاد این سامانه، نخستین گام در راستای تحقق دادرسی الکترونیکی در دیوان عدالت اداری است.

### ج) تسهیلات دسترسی شاکیان به دادگاه اداری

دادرسی اداری در سطح دیوان عدالت اداری، بالاترین سطح دادرسی است. به موجب ماده ۲ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری (۱۳۹۲)، «دیوان در تهران مستقر است و متشکل از شعب بدوی، تجدیدنظر، هیئت عمومی و هیئت‌های تخصصی می‌باشد. طرفداران تمرکزگرایی نظام عدالت اداری، تمرکز دیوان را در تهران این گونه توجیه می‌کنند که مرکز اصلی وزارت‌خانه‌ها و اغلب سازمان‌ها در مرکز قرار دارد. در زمان حاضر با توجه به انبوه پرونده‌های مطرح در دیوان و نیز امکان استفاده از تجربیات نظام عدالت اداری سایر کشورها

۱. زرکلام، ستار، «دادرسی‌های الکترونیکی؛ ضرورت‌ها، الزامات و چالش‌ها»، آموزه‌های حقوق کیفری، ۱۳۹۱، شماره ۳، ص ۱۳۵.

۲. اسماعیلی، اکبر و بابک پورقهرمانی، «چالش‌های فراروی دادرسی الکترونیک در ایران»، فصل‌نامه دیدگاه‌های حقوق قضایی، ۱۳۹۸، دوره بیست و چهارم، شماره ۸۷، ص ۴۸.

برای نحوه سامان‌دهی تشکیلاتی و تعیین حدود صلاحیت، رضایت به استمرار وضع موجود شاید از منظر خود مدافعان نیز موجه به نظر نرسد. مشکل دسترسی نداشتن به عدالت در کشور ما به عنوان کشور در حال توسعه وجود دارد. معاضدت حقوقی رایگان نیز وجود ندارد و البته بسیاری از کشورها، وکلای معاضدتی زیادی ندارند.<sup>۱</sup>

بر اساس اسناد بین‌المللی، حق دسترسی فیزیکی به امکانات و تسهیلات دادگاه یا دیوان و نیز دسترسی به اطلاعات، مربوط به زمان و مکان رسیدگی است. دادگاه‌ها و دیوان‌های اداری بایستی اطلاعات مربوط به تاریخ، زمان و مکان دادرسی در یک زمان معقول و با لحاظ ارزش دعوا و زمان مورد انتظار رسیدگی را به اطلاع طرفین دعوا و عموم برسانند.<sup>۲</sup>

با توجه به این‌که رسیدگی دیوان عدالت اداری به صورت غیر حضوری و از طریق تبادل لوایح صورت می‌گیرد. بنابراین، اسناد، مهم‌ترین دلیل اثبات دعوا در این دادرسی به شمار می‌روند. شاکیان اصولاً تمایل دارند تا از تصویر لایحه دفاعیه طرف شکایت، رونوشت بگیرند و در برخی موارد صرفاً برای دریافت یک رونوشت، مجبور شوند مسافتی طولانی را به تهران بپیمایند. در حالی که به نظر می‌رسد با تبدیل اسناد کتبی به اسناد الکترونیکی و بارگذاری آن در سامانه «ثنا» در قالب سند الکترونیک، مشکلات مربوط به دسترسی به اسناد تسهیل می‌شود. در حال حاضر، صرفاً ابلاغ اوراق قضایی (دادنامه‌ها) در سامانه‌های خدمات الکترونیک قضایی میسر است.

## بند سوم: امکان‌سنجی استفاده از ادله الکترونیک با توجه به قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری

اداره برای تأمین منافع عمومی و پاسخ‌گویی به نیازهای جامعه دارای وظایف متعددی است و فعالیت‌های آن تابع نظام حقوقی مجزا و متفاوتی از حقوق خصوصی است، به طوری که اداره دارای اقتدارات و امتیازات ویژه‌ای است که می‌تواند اراده خود را بر شهروندان تحمیل کند. این در حالی است که این اقتدارات در روابط بین اشخاص حقوق خصوصی جایگاه ندارد. به همین دلیل، دیدگاهی که دادگاه‌ها برای بررسی اعمال اداری دارند، با دیدگاه آن‌ها هنگام بررسی اختلافات میان اشخاص حقوق خصوصی تفاوتی چشم‌گیر دارد. در بررسی اعمال اداری، منع خروج از حدود قانونی، نقشی تعیین‌کننده دارد.<sup>۳</sup>

۱. همتی، مجتبی، «حق دسترسی به دادگستری در دیوان عدالت اداری با نگاه به نظرهای شورای نگهبان»، فصل‌نامه دانش حقوق عمومی، ۱۳۹۵، سال پنجم، شماره ۱۶، ص ۱۴.

۲. همتی، مجتبی، «تحلیل قانون دیوان عدالت اداری از منظر استانداردهای خاص دادرسی منصفانه با نگاه به رویه دادگاه اروپایی حقوق بشر»، فصل‌نامه پژوهش حقوق عمومی، ۱۳۹۵، سال نوزدهم، شماره ۵۵، ص ۲۵۰.

۳. قاری سید فاطمی، سید محمد، حقوق بشر در جهان معاصر (دفتر دوم: جستارهایی تحلیلی از حق‌ها و آزادی‌ها)، تهران: شهر دانش، ۱۳۸۸، ص ۲۰۲.

در ماده ۴۱ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری، این اختیار به شعبه رسیدگی کننده داده شده است که «هر گونه تحقیق یا اقدامی را که لازم بداند، انجام دهد». در دعوایی که در دیوان عدالت اداری مطرح می‌گردد و نفع خصوصی مطرح است، مثل شکایت شخص خصوصی از یک اداره دولتی که از تصمیم آن متحمل خسارت شده است، قاضی اصولاً باید بی‌طرف باشد و تحصیل دلیل، وظیفه شاکی است. در آن دسته از دعاوی که منفعت عمومی در آن غلبه دارد، مانند شکایات تحت عنوان «تضییع حقوق اشخاص» مندرج در ماده ۱۲ قانون دیوان باید قائل به تحصیل دلیل توسط دادرس شد.

دعاوی مطرح در دیوان، شباهتهایی با دعاوی مدنی یا کیفری دارند، ولی ویژگی مشترک تمام آنان، همان نابرابری مردم و اداره است. حتی در دعاوی میان کارگر و کارفرما نیز قاضی دیوان به دلیل اقتضای رابطه نابرابر ورود پیدا می‌کند و نقش فعال دارد. بنابراین، در همه دعاوی اداری اعم از این که اداری محض یا شبه‌حقوقی و شبه کیفری باشند، می‌توان به دادرس اداری اجازه داد که تحصیل دلیل کند.<sup>۱</sup>

مطابق ماده ۴۱ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری، «شعبه رسیدگی کننده می‌تواند هر گونه تحقیق یا اقدامی را که لازم بداند، انجام دهد یا آن را از ضابطان قوه قضاییه و مراجع اداری بخواهد یا به سایر مراجع قضایی نیابت دهد. ضابطان و مراجع مزبور مکلفند ظرف مهلتی که شعبه دیوان تعیین می‌کند، تحقیقات و اقدامات خواسته شده را انجام دهند. تخلف از این ماده حسب مورد مستلزم مجازات اداری یا انتظامی است.» نقش فعال قضات دیوان عدالت اداری در این قانون به رسمیت شناخته شده است و ضرورت دارد دادرسان اداری برای تحقق اصل حاکمیت قانون و کنترل مقامات و نهادهای اداری هر گونه تحقیق و اقدام مقتضی را انجام دهند و خود را به ادله تقدیمی از سوی طرفین دعوا محصور نسازند تا در نهایت، اجرای عدالت و احقاق حقوق شهروندان تضمین شود.<sup>۲</sup>

شعب دیوان علاوه بر این که اختیار انجام هر گونه تحقیقات یا اقدام را دارند، در مواردی که احقاق حق و رسیدگی به موضوع مستلزم توضیح خواهی از شخص حقیقی و حقوقی باشد، می‌تواند از اشخاص نیز توضیح بخواهد. قانون‌گذار به شرح ماده ۵۶ قانون دیوان چنین اختیاری را مقرر کرده که به نوعی، پذیرش استماع گواه و شهادت در دعاوی اداری است؛ زیرا توضیح خواهی از اشخاص حقیقی یا حقوقی در قالب کسب اطلاع از مطلعین یا طلب گواه و شهادت تلقی می‌شود. چون در حقوق اداری، بیش‌تر دلایل به صورت مکتوب و سند است، استناد به شهادت شفاهی شهود و مطلعین کم‌تر صورت می‌گیرد. با این حال، قانون‌گذار به شرح ماده ۵۶ قانون دیوان، به صورت مطلق،

۱. قمری و همکاران، پیشین، ص ۷۳.

۲. زارعی و محسن‌زاده، پیشین، ص ۸۵.

توضیح‌خواهی از اشخاص حقیقی یا حقوقی را تجویز کرده است.<sup>۱</sup> آیا می‌توان به اصحاب دعوا اجازه داد که با فراهم آوردن وسایل لازم که دادگاه نیز تأیید کند، نسبت به ارائه سند، شهادت و اقرار به صورت الکترونیک (درون ابزارهای نگه‌دارنده، اطلاعات الکترونیک یا به صورت برخط) اقدام کنند؟ در پاسخ باید گفت که از لحاظ قوانین در این خصوص، منعی دیده نمی‌شود. از سوی دیگر، به نظر می‌رسد اگر ارائه خود دلیل به شکل معمولی به دادگاه ممکن نباشد یا ارائه نسخه الکترونیک دلیل ضروری باشد، هم‌چون ارائه خود سند الکترونیک به دادگاه، این امکان وجود دارد که به استنادکننده اجازه داده شود با فراهم آوردن وسایل مورد نیاز، به تأیید دادگاه، دلیل الکترونیک ارائه دهد یا دلیل خود را به صورت الکترونیک ارائه دهد.<sup>۲</sup>

در ماده ۲۳ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری (۱۳۹۲) مقرر شده است: «دادخواست و ضامیم آن باید به تعداد طرف شکایت به اضافه یک نسخه تهیه شود. این اوراق و هم‌چنین اوراق مربوط به رفع نقص و تکمیل دادخواست باید به وسیله پست سفارشی یا پست الکترونیکی دیوان یا ثبت در پایگاه الکترونیکی به دبیرخانه دیوان ارسال و یا به دبیرخانه دیوان یا دفاتر اداری آن مستقر در مراکز استان‌ها تسلیم گردد. تاریخ ثبت دادخواست در دبیرخانه دیوان و یا پایگاه الکترونیکی و یا تسلیم آن به پست سفارشی و یا ارسال از طریق پست الکترونیکی یا دفاتر اداری دیوان، تاریخ تقدیم محسوب می‌شود».

به این ترتیب، ثبت دادخواست‌های بدوی و تجدید نظر در دیوان عدالت اداری از طریق اینترنت و بدون حضور فیزیکی برای شاکیان و دستگاه‌های اجرایی طرف شکایت امکان‌پذیر شد و شاکسانی که مایل به ثبت دادخواست به صورت غیر حضوری هستند، می‌توانند با داشتن کد ثنا که قبلاً از دفاتر خدمات قضایی گرفته‌اند، وارد سامانه شوند و پس از احراز هویت الکترونیکی، دادخواست بدوی یا تجدید نظر خود را در سامانه ثبت و هزینه دادرسی را پرداخت کنند.

هم‌چنین مطابق ماده ۶۵۱ قانون آیین دادرسی جرایم نیروهای مسلح و دادرسی الکترونیکی (۱۳۹۳) مقرر شده است: «کلیه دستگاه‌های تابعه قوه قضاییه، نظیر دیوان عدالت اداری... موظفند کلیه اطلاعات خود را در مرکز ملی داده‌های قوه قضاییه قرار دهند و آن‌ها را روزآمد نگه دارند.» به نظر می‌رسد این مقررات بدون استفاده از فناوری اطلاعات به سختی قابل دسترسی باشد.

بر این اساس، رویکرد قانون جدید دیوان عدالت اداری به الکترونیکی کردن رسیدگی و ثبت دادخواست و دلایل است و هم‌اینک سامانه‌ای با عنوان درگاه اخذ دادخواست الکترونیک دیوان

۱. مولایی، غلامرضا، صلاحیت و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری، تهران: جنگل، چاپ اول، ۱۳۹۳، ص ۲۱۶.

۲. محمدی، سام و حمید میری، «بررسی تطبیقی ارائه ادله الکترونیک در دادگاه: اشکال و اعتبار آن»،

نامه مفید، ۱۳۸۸، شماره ۷۶، ص ۱۵۳.

عدالت اداری راه‌اندازی شده است. درگاه خدمات الکترونیک دیوان عدالت اداری این امکان را برای کاربران خود فراهم می‌کند که از طریق این سامانه و بدون نیاز به مراجعه حضوری، دادخواست خود را ثبت کنند و امکان پی‌گیری پرونده‌ها و ارائه ادله و لایحه از طریق آن فراهم است.

## بند چهارم. چالش‌های مربوط به ادله اثبات الکترونیکی در دادرسی اداری

با وجود مزایایی که ادله الکترونیک در نظام دادرسی اداری دارد، استفاده از این نوع ادله نیازمند وجود زیرساخت‌هایی است که استفاده از این ادله را با چالش‌هایی اجرایی روبه‌رو می‌کند.

### الف) نبود زیرساخت‌های آموزشی

استفاده از ادله الکترونیک اثبات دعوا در دادرسی اداری، نیازمند بهره‌مندی قضات، شاکیان و طرف‌های شکایت از امکانات و نیز بسترهای آموزشی است. قضات دیوان دارای رویکرد سنتی هستند و با فضای شکل‌گیری این نوع ادله چندان آشنایی ندارند و این امر قطعاً بر دشواری‌های استفاده از ادله الکترونیک می‌افزاید.

### ب) دسترسی نداشتن به اینترنت

استفاده از سامانه خدمات الکترونیک قضایی (ثنا)، نیازمند داشتن دانش و اطلاعات کافی نسبت به یارانه و اینترنت است. آخرین آمارها از تعداد کاربران اینترنت در ایران نشان می‌دهد که ۶۰ درصد مردم از اینترنت استفاده می‌کنند. بنابراین، ۴۰ درصد از مردم، دانش کافی برای استفاده از اینترنت را ندارند. همین موارد نیز در خصوص استفاده از ادله الکترونیک مصداق دارد و در نتیجه، استفاده از این نوع ادله در دادرسی اداری با چالش‌های اجرایی همراه است.<sup>۱</sup>

## گفتار سوم. اعتبار ادله الکترونیکی در دادرسی‌های مدنی

در حال حاضر، طیف وسیعی از ادله الکترونیکی در نظام‌های حقوقی مطرح است. البته با عنایت به ماهیت دلیل ابرازی یا استنادی، آثار مختلفی بر آن مترتب می‌شود. در نظام حقوقی ایران با وجود حاکمیت نظام ادله سنتی در فرآیند دادرسی، امکان تمسک به صور مختلف ادله الکترونیکی در پرتو قوانین خاص یا قواعد عمومی حاکم بر قراردادهای، به ویژه قراردادهای خصوصی فراهم است که به طور گذرا به این مهم می‌پردازیم.

۱. افشارنیا، طیب و حجت مبین، *اطاله دادرسی و توسعه قضایی*، تهران: خرسندی، ۱۳۸۹، ص ۶۳.



## بند اول. اعتبار اقرار الکترونیکی

در جایی که یکی از دو طرف دعوا، ادله دارای منشأ رایانه‌ای را ارائه دهند، آن را به عنوان اقرار طرف مقابل می‌توان پذیرفت. در تعریف اقرار در ماده ۱۲۵۹ ق.م.آمه است: «اقرار عبارت است از اخبار به حقی برای غیر به ضرر خود.» از تعریفی که قانون مدنی ارائه می‌دهد، می‌توان به معتبر بودن اقرار الکترونیکی پی برد. در توضیح این مورد باید گفت این اقرار معتبر و اقراری واقع شده در خارج از دادگاه محسوب می‌شود.<sup>۱</sup>

## بند دوم. اعتبار اسناد الکترونیکی

نوشته، امضا و اصالت، سه عنصر اصلی تشکیل‌دهنده صورت یک سند معتبر است. این سه عنصر در قانون تجارت الکترونیکی کاربرد زیادی دارند. طبق تعریف قانونی موجود، سند عبارت است از هر نوشته‌ای که در مقام دعوا یا دفاع قابل استناد باشد. (ماده ۱۲۸۴ ق.م.) تجارت نوین الکترونیکی نیز تا حدودی مبتنی بر «اعتماد» است، اما عمدتاً مقدمات معاملات طرف‌ها و نیز توافقاتی آنان مستند به مدارک رایانه‌ای است. از این رو، امروزه به موجب قوانین مصوب، «مدارک رایانه‌ای از اعتبار مدارک کاغذی» برخوردارند. معمولاً از لفظ «سند»، صورت کاغذی آن به ذهن می‌رسد، اما حقیقت آن است که صورت سند می‌تواند بسیار گسترده‌تر باشد و انواع عکس، نوار ویدئو و ادله رایانه‌ای را نیز در بر بگیرد. امروزه در برخی نظام‌های قضایی از جمله آمریکا و به ویژه کانادا، تعریفی از سند ارائه شده که قابلیت تمسک به آن در خصوص ادله الکترونیکی هم فراهم است. برای مثال، بنا به تصریح آیین دادرسی مدنی ایالت انتاریو (کانادا)، «سند شامل یک صدای ضبط‌شده، نوار ویدئو، فیلم، عکس، نمودار، جدول، طرح، تحقیق، دفتر حسابداری و اطلاعات ضبط‌شده به وسیله هر گونه دستگاه است».<sup>۲</sup>

همان‌طور که در ماده ۶ قانون تجارت الکترونیکی ایران آمده است: «هر گاه وجود یک نوشته از نظر قانون لازم باشد، «داده پیام» در حکم نوشته است.» همچنین ماده ۱۳ بیان می‌کند: «به طور کلی، ارزش اثباتی «داده پیام»‌ها با توجه به عوامل مطمئنانه از جمله تناسب روش‌های ایمنی به کار گرفته‌شده با موضوع و منظور مبادله «داده پیام» تعیین می‌شود». در ماده ۱۴ این قانون نیز تأکید شده است: «کلیه «داده پیام»‌هایی که به طریق مطمئن ایجاد و نگهداری شده‌اند، از حیث محتویات و امضای مندرج در آن، تعهدات طرفین یا طرفی

۱. محمدی، سام، میری، حمید، بررسی تطبیقی ارائه ادله الکترونیک در دادگاه، اشکال و اعتبار آن،

نشریه نامه مفید، مرکز مطالعات و حقوق تطبیقی، اسفند ۱۳۸۸، ص ۱۷۴.

۲. گاتن، آلن، کشف ادله الکترونیکی، ترجمه: مصیب رضانی، تهران: دبیرخانه شورای عالی اطلاع‌رسانی،

۱۳۸۳، ص ۱۰.

که تعهد کرده و کلیه اشخاصی که قائم مقام قانونی آنان محسوب می‌شوند، اجرای مفاد آن و سایر آثار در حکم اسناد معتبر و قابل استناد در مراجع قضایی و حقوقی است.»<sup>۱</sup>

برخورداری ادله الکترونیکی از محتوا، شکل و ساختار به این معنی است که اسناد الکترونیکی دارای اطلاعاتی است که انعکاس دقیقی از رخدادها را در زمان خاصی می‌نمایند. ساختار این اسناد را می‌توان به طریق الکترونیکی بازسازی کرد. پس هر جزء از این ساختار، روی هم رفته یک کل را تشکیل می‌دهند. بهترین راه برای حفظ محتوا، شکل و ساختار ادله الکترونیکی، مدیریت آن‌ها در یک نظام مدیریت اسناد است. باید گفت که نظام نگه‌داری اسناد فقط بخشی از نرم‌افزار نیست، بلکه چارچوب و ساختاری است که دفعات دریافت، نگه‌داری و دسترسی به اسناد را امکان‌پذیر می‌کند.<sup>۱</sup>

### بند سوم. اعتبار شهادت الکترونیکی

هنگامی که ادله الکترونیکی حاوی اظهارات شخص ثالثی است که می‌بین ارتکاب قتل توسط متهم است، شهادت محسوب می‌شود. اگر مفاد ادله الکترونیکی، شهادت باشد، در این صورت، نزد قاضی نیست و برخی شرایط لازم از قبیل سوگند را ندارد. البته داده‌های ایجادشده به دلیل وجود اعتقاد متعارف بر عدم ایجاد خلاف واقع، قابل استناد هستند.<sup>۲</sup>

در خصوص ارزش اثباتی شهادت الکترونیکی که از طریق سامانه‌های ویدئوکنفرانس و دیگر سامانه‌های ارتباطات الکترونیکی صورت می‌گیرد، تبصره ۱ ماده ۶۵۵ ق.آ.د.ک. مقرر کرده است: «در کلیه مراحل تحقیق و رسیدگی و حقوقی و کیفری و ارائه خدمات الکترونیک قضایی، نمی‌توان صرفاً به لحاظ شکل یا نحوه تبادل اطلاعات الکترونیکی از اعتبار بخشیدن به محتوا و آثار قانونی آن خودداری نمود...». در این ماده، مقامات قضایی دادسرا و دادگاه حسب مورد مکلفند شهادتی را که شاهد به صورت الکترونیکی انجام داده است، معتبر بدانند.

البته این تکلیف مقامات قضایی به ترتیب اثر دادن به شهادت الکترونیکی، با توجه به صدر ماده ۶۵۵ ق.آ.د.ک. در صورتی است که: «صورت الکترونیکی شهادت و یا محتوای الکترونیکی آن حسب مورد با رعایت سازوکارهای امنیتی پیش‌بینی شده در مقررات دادرسی الکترونیکی باشد.» اگر شهادت الکترونیکی با رعایت و احراز همه شرایط خاص شهادت الکترونیکی و همچنین احراز شرایط عمومی شهادت و شاهد باشد، با توجه به مواد ۱۷۵ ق.م.ا، آن شهادت، شهادت شرعی محسوب خواهد شد و اگر شاهد واجد شرایط شهادت نباشد، شهادت وی در حد اماره قضایی برای دادگاه معتبر خواهد بود.<sup>۳</sup>

۱. همان، ص ۱۰.

۲. کریمی، محسن، «جمع‌آوری و استنادپذیری ادله الکترونیکی در حقوق کیفری ایران»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه علامه طباطبایی، ۱۳۹۰، ص ۱۵۹.

۳. رضایی، علی، حقوق تجارت الکترونیکی، تهران: میزان، ۱۳۸۷، ص ۳۸۷.

ماده ۶۵۹ مقرر کرده است: «به‌کارگیری سامانه‌های ویدئوکنفرانس و سایر سامانه‌های ارتباطات الکترونیکی به منظور تحقیق از اصحاب دعوا، اخذ شهادت از شهود یا...». با توجه به این ماده، مشخص است که قلمرو شهادت الکترونیکی هم دعاوی کیفری و هم دعاوی حقوقی اعم از مدنی و تجاری است.<sup>۱</sup>

---

۱. خدادادی، ابوالقاسم و علی خالدی، «شهادت از راه دور (تحلیل ماده ۱۸۶ قانون مجازات اسلامی)»، پژوهش‌های حقوق جزا و جرم‌شناسی، ۱۳۹۵، دوره چهارم، شماره ۷، ص ۳۳.

### نتیجه گیری

از اهداف عمده استفاده از ابزارهای الکترونیکی، ایجاد سرعت و تسهیل در روابط افراد است. هم‌چنین یکی از اهداف آن، یکپارچگی قواعد حقوقی بین‌المللی در استفاده از ادله الکترونیکی است که تمهیدات لازم را فراهم می‌آورد و با پیشنهادهای قواعد متحدالشکل، روابط بین‌المللی اشخاص را تسهیل می‌کند. قانون ایران به تبعیت از قانون نمونه آنسیترال در مورد تجارت الکترونیکی سعی دارد که حتی‌الامکان با قواعد سنتی حاکم بر روابط افراد و با قواعد متحدالشکل حقوق بین‌الملل تفاوت نداشته باشد و در استفاده از فضای الکترونیکی در روابط بین‌المللی، کم‌ترین اشکالها و تعارض‌های حقوقی را فراهم کند. تا زمانی که راهکارهای قانونی مناسب پیش‌بینی نشده‌اند، اعتباری که محاکم برای توافقی‌های خصوصی در باب دلایل الکترونیکی خواهند شناخت، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار خواهد بود.

نتایج حاصل از مطالعه ادله الکترونیکی و مبانی حقوقی آن نشان داد که در دنیای مجازی و الکترونیکی نمی‌توان صرفاً از ادله سنتی برای حل بسیاری از مسائل دنیای کنونی استفاده کرد. ادله الکترونیکی از جمله ابزارهای نوین در فرآیند دادرسی محسوب می‌شوند، ویژگی‌هایی مانند یکسان نبودن نسخه الکترونیکی با رونوشت چاپ‌شده، قابلیت ذخیره‌سازی به صورت فشرده، صور مختلف ذخیره، قابلیت تکثیر سریع و ساختار متفاوت آن‌ها از اسناد عادی از جمله موارد قابل توجه در ادله الکترونیکی محسوب می‌شود. ادله الکترونیکی با این‌که از لحاظ صوری، متفاوت از اسناد عادی هستند، ولی از لحاظ ماهوی دارای ارزش برابر و قابل استناد همانند اسناد عادی ادله اثبات دعوا نظیر شهادت، قسم و اقرار هستند. از جمله چالش‌های بحث ادله الکترونیکی می‌توان به کلان بودن حجم اطلاعات، پنهان بودن بسیاری از آن‌ها و مشکلات ناشی از تفاوت زبان‌ها اشاره کرد.

با توجه به نقش فعال دادرسی اداری در دادرسی اداری نیز امکان استفاده از ادله الکترونیک وجود دارد. البته این امر به صراحت در قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان پیش‌بینی نشده و رویه عملی دیوان نیز نشان‌دهنده استفاده از این دلایل است.

آن‌چه از دیدگاه‌های مختلف فقیهان و دانشمندان اسلامی می‌توان برداشت کرد، این است که اگر نوشته و سند دارای امضا یا مهر بوده و به شیوه مطمئنی محافظت گردد و مصون از تغییرات باشد و هدف و نیت تنظیم‌کننده آن بر قبول مندرجات مسلم باشد، چه آن را اقرار کتبی بدانیم، با این‌که آن را ابزاری برای ایجاد علم عادی قاضی فرض کنیم یا آن‌که آن را دلیل مستقل به حساب آوریم، دارای اعتبار و حجیت است و قاضی می‌تواند حکم خویش را به آن مستند کند.

در فقه، کتابت در مفهوم ثبت به کار رفته و هر گونه ثبت مطمئنی را مانند ثبت الکترونیکی در بر می‌گیرد. با عنایت به این توضیحات، برای سند الکترونیک و ایمن بودن

آن از تغییرات و مسلّم بودن قصد امضاکننده سند الکترونیک در خصوص پذیرش مندرجات سند به دلیل برخورداری از رمز یا کلید عمومی و خصوصی یا روش‌های دیگر می‌توان برداشت کرد هم‌چون اسناد کاغذی به خصوص در فقه دارای اعتبار و حجیت است.

### در پایان، پیشنهادهایی را بیان می‌کنیم:

۱. با این‌که در دهه‌های اخیر، فناوری اطلاعات و ارتباطات در ایران گسترشی چشم‌گیر داشته، ولی به علت کمبود و در برخی موارد، نبود فرهنگ‌سازی و ساختارهای حقوقی در این زمینه، شاهد کارکردهای نامطلوب آن در جامعه هستیم. آگاهی‌بخشی به مردم در این زمینه و قانونی‌سازی این فعالیت‌ها می‌تواند تا حدّ زیادی از میزان کارکردهای منفی بکاهد و در نتیجه، با ایجاد اعتمادی بیش‌تر در مردم، امکان استفاده مطلوب از این فناوری‌ها را فراهم کند.

۲. مجریان قانون هنگام جمع‌آوری ادلّه الکترونیکی ابتدا باید به تفتیش و توقیف ادلّه اقدام کنند. بعد این ادلّه را برای ارائه به دادگاه آماده سازند. این در حالی است که ترتیب قرارگیری این دو مقوله در قانون معکوس است و ابتدا از ارائه ادلّه و بعد، تفتیش و توقیف ادلّه الکترونیکی سخن به میان آمده است که بهتر است برای حفظ نظم مراحل شکلی ادلّه الکترونیکی، این دو مبحث جابه‌جا شوند.

۳. در رویه‌های قضایی، شاهد آن هستیم که در یک پرونده، اگر ادلّه ارائه‌شده، شهود و ادلّه الکترونیکی مثل ادلّه صوتی باشد، اما شهود حاضر به شهادت نشوند، قاضی به ادلّه صوتی ترتیب اثر نمی‌دهد. بهتر است که دوره‌های آموزشی تخصصی برای قضات و دست‌اندرکاران قضایی برگزار شود تا با ادلّه الکترونیکی، فضای مجازی و جرایمی که در این فضا به وقوع می‌پیوندد و اهمیت آن‌ها بیش‌تر آشنا شوند.

۴. با این‌که قانون‌گذار برای دلایل الکترونیک به ویژه دلیل الکترونیکی مطمئن، ارزش اثباتی زیادی قائل شده است، اثبات بهره‌مندی دلیل از شرایط اطمینان با مشکلات و دشواری‌هایی روبه‌روست. پیشنهاد می‌شود قانون‌گذار، راهکار مناسبی برای معرفی شیوه‌های فنی مطمئن برای بار اثبات دعوی حقوقی ارائه کند.

۵. با وجود تصویب قانون تجارت الکترونیک، در رویه‌های قضایی و آرا مشاهده می‌شود که هنوز ادلّه الکترونیکی در محاکم به صورت کامل پذیرفته نشده است. این احتمال وجود دارد که دادگاه‌ها به دلیل نبود قانون، در برابر پذیرش این دسته از ادلّه یا در مورد حدود ارزش اثباتی آن‌ها مقاومت کنند یا تردید داشته باشند. پس با توجه به افزایش جرایم سایبری بهتر است در اجرایی شدن این قانون، اهتمام بیش‌تری صورت گیرد.

۶. به‌کارگیری کارشناسان داده و رایانه در محاکم می‌تواند در افزایش علم قاضی اثرگذار باشد و موجب یقین و علم قاضی شود.

## فهرست منابع

### ۱. فارسی

#### الف) کتاب

۱. افشارنیا، طیب و حجت مبین، **اطاله دادرسی و توسعه قضایی**، تهران: خرسندی، ۱۳۸۹.
۲. رضایی، علی، **حقوق تجارت الکترونیکی**، تهران: میزان، ۱۳۸۷.
۳. صدرالحفاظی، سید نصرالله، **نظارت قضایی بر اعمال دولت در دیوان عدالت اداری**، تهران: شهریار، ۱۳۷۲.
۴. قاری سید فاطمی، سید محمد، **حقوق بشر در جهان معاصر (دفتر دوم: جستارهایی تحلیلی از حق‌ها و آزادی‌ها)**، تهران: شهر دانش، ۱۳۸۸.
۵. کاتوزیان، ناصر، **اثبات و دلیل اثبات (جلد ۱)**، تهران: میزان، ۱۳۹۲.
۶. گاتن، آلن، **کشف ادله الکترونیکی**، ترجمه: مصیب رضایی، تهران: دبیرخانه شورای عالی اطلاع‌رسانی، ۱۳۸۳.
۷. مولاییگی، غلام‌رضا، **صلاحیت و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری**، تهران: جنگل، چاپ اول، ۱۳۹۳.
۸. هداوند، مهدی و مسلم آقایی طوق، **دادگاه‌های اختصاصی اداری در پرتو اصول دادرسی عادلانه و آیین‌های دادرسی منصفانه**، تهران: خرسندی، ۱۳۸۹.

#### ب) مقاله

۱. استوارسنگری، کورش، «**چیستی دادرسی اداری در ایران؛ دادرسی در اداره یا دادرسی بر اداره؟**»، مجله پژوهش‌های نوین حقوق اداری، ۱۳۹۹، دوره ۲، شماره ۴.
۲. اسماعیلی، اکبر و بابک پورقهرمانی، «**چالش‌های فراروی دادرسی الکترونیک در ایران**»، فصل‌نامه دیدگاه‌های حقوق قضایی، ۱۳۹۸، دوره بیست و چهارم، شماره ۸۷.
۳. خدادادی، ابوالقاسم و علی خالدی، «**شهادت از راه دور (تحلیل ماده ۱۸۶ قانون مجازات اسلامی)**»، پژوهش‌های حقوق جزا و جرم‌شناسی، ۱۳۹۵، دوره چهارم، شماره ۷.
۴. رستمی، ولی و احمد خسروی، «**امکان‌سنجی تدوین قانون آیین دادرسی اداری (با توجه به ماهیت و ویژگی‌های مراجع اختصاصی اداری)**»، فصل‌نامه دیدگاه‌های حقوق قضایی، ۱۳۹۲، شماره ۶۴.
۵. رضوی، سید مهدی و همکاران، «**تحصیل دلیل در دادرسی اداری در پرتو حمایت**

- از حقوق شهروندان»، فصل‌نامه پژوهش‌های نوین حقوق اداری، انتشار آن‌لاین: ۱۴۰۱.
۶. زارعی، محمدحسین و آزیتا محسن‌زاده، «نظام اثبات دعوا در دادرسی اداری»، فصل‌نامه دیدگاه‌های حقوق قضایی، ۱۳۹۴، شماره ۷۲.
۷. زرکلام، ستار، «دادرسی‌های الکترونیکی؛ ضرورت‌ها، الزامات و چالش‌ها»، آموزه‌های حقوق کیفری، ۱۳۹۱، شماره ۳.
۸. سوادکوه، سام، «آیین دادرسی اداری در تشکیلات قضایی جمهوری اسلامی ایران»، پژوهش‌نامه حقوق خصوصی، ۱۳۹۱، سال اول، شماره ۱.
۹. شهبازی‌نیا، مرتضی و محبوبه عبداللهی، «دلیل الکترونیک در نظام ادله اثبات دعوا»، فصل‌نامه حقوق، ۱۳۸۹، دوره چهارم، شماره ۴.
۱۰. شهبازی‌نیا، مرتضی، «احراز اصالت در اسناد الکترونیکی»، مجله مدرس علوم انسانی - پژوهش‌های حقوق تطبیقی، ۱۳۸۸، شماره ۴ (پیاپی ۶۳).
۱۱. عباسی، رسول و همکاران، «کیفیت خدمات الکترونیک قضایی و اعتماد شهروندان»، فصل‌نامه حقوق اداری، ۱۴۰۰، سال نهم، شماره ۲۸.
۱۲. فتحی، یونس و همکاران، «نظام مطلوب دادرسی اداری در ایران»، فصل‌نامه پژوهش‌های نوین حقوق اداری، ۱۳۹۸، سال اول، شماره ۱.
۱۳. قمری، اسماعیل و همکاران، «تحلیلی بر اعمال قاعده مشروعیت تحصیل دلیل در دادرسی اداری»، فصل‌نامه حقوق اداری، ۱۳۹۹، سال هشتم، شماره ۲۴.
۱۴. قمری، اسماعیل و همکاران، «کاربست اصل مشروعیت تحصیل دلیل کیفری در دادرسی‌های اداری ایران با تأکید بر آرای دیوان عدالت اداری»، پژوهش‌های نوین حقوق اداری، ۱۴۰۱.
۱۵. محمدی، سام و حمید میری، «بررسی تطبیقی ارائه ادله الکترونیک در دادگاه: اشکال و اعتبار آن»، نامه مفید، ۱۳۸۸، شماره ۷۶.
۱۶. مرادخانی، فردین، «دادگاه‌های اداری در ایران: ابهام در مبانی، سردرگمی در عمل»، حقوق اساسی، ۱۳۹۳، شماره ۲۲.
۱۷. مرادخانی، فردین، «عدم استقلال آیین دادرسی اداری در چارچوب قانون دیوان عدالت اداری»، مجله فقه و حقوق اسلامی، ۱۳۹۶، سال هشتم، شماره ۱۵.
۱۸. مؤذن‌زادگان، حسن‌علی، الهام سلیمان دهکردی و مهشید یوشی، «حفظ صحت و استنادپذیری ادله الکترونیک با استفاده از بیومتریک و رمزنگاری»، کتاب حقوق کیفری، ۱۳۹۴، شماره ۱۲.
۱۹. همّتی، مجتبی، «تحلیل قانون دیوان عدالت اداری از منظر استانداردهای

خاص دادرسی منصفانه با نگاه به رویه دادگاه اروپایی حقوق بشر»، فصل‌نامه پژوهش حقوق عمومی، ۱۳۹۵، سال نوزدهم، شماره ۵۵.

۲۰. همتی، مجتبی، «حق دسترسی به دادگستری در دیوان عدالت اداری با نگاه به نظرهای شورای نگهبان»، فصل‌نامه دانش حقوق عمومی، ۱۳۹۵، سال پنجم، شماره ۱۶.

۲۱. یاور، اسدالله، «حق برخورداری از دادرسی منصفانه و آیین دادرسی نوین»، فصل‌نامه حقوق اساسی، ۱۳۸۳، شماره ۲.

### ج) پایان‌نامه

۱. داوریناه، نسیم، «اصول و مبانی حاکم بر نحوه تحصیل دلیل در فضای سایبر»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکزی، ۱۳۹۳.
۲. فوقانی، هادی، «قابلیت استناد به ادله الکترونیک با نگاه به آرای قضایی: انواع ادله الکترونیک و ارزش اثباتی آن‌ها»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی، ۱۳۹۵.
۳. کریمی، محسن، «جمع‌آوری و استنادپذیری ادله الکترونیکی در حقوق کیفری ایران»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه علامه طباطبایی، ۱۳۹۰.
۴. محمدی گیلاکجانی، امیر، «بررسی فقهی - حقوقی ادله الکترونیکی در حقوق کیفری ایران»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه محدث نوری، ۱۳۹۵.

## 2-Latin Source

- 1-Frumarová, Kateřina, "Evidence in administrative proceedings - proof by audio-visual record, proof by the content of the website and other means of proof lacking explicit regulation in the Code of Administrative Procedure", *Institutiones Administrationis-Journal of Administrative Sciences*, 2022, Vol. 2, No. 1, 132-143, DOI:10.54201/iajas.v2i1.31
- 2-Jolowicz, J. A., *Adversarial and Inquisitorial models of Civil Procedure International and Comparative Law quarterly*, 2003, Available at: [WWW.Jstor.org/PSS/36631102011/1/10](http://WWW.Jstor.org/PSS/36631102011/1/10)
- 3-Wang, Minyan, «The Impact of Information Technology Development», *Journal of Law and Technology*, 2006, Vol. 15, No. 3



# Electronic evidence to prove claims in administrative and civil proceedings in Iran according to Imamiyyah

**HamidReza Ahmadi Lashki\***

**Hamid Abhari\*\***

**Amiri, Abbas Moghadari\*\*\***

## **Abstract:**

Today, with the expansion of information technology, electronic evidence and related documents are being stored and produced more and more. The admissibility of proof of electronic litigation is accepted in Iran's commercial law and in civil proceedings. According to the UNCITRAL Model Law on Electronic Commerce and Article 47 of the Electronic Evidence Citation Regulation approved in 2013, the Iranian legislator has not limited the message data only to electronic devices and any device such as video and audio folders, telegrams and optical devices are also electronic evidence. knows, but from the perspective of Islamic jurists and scholars, this issue is acceptable, has validity and proof if the document and writing has a signature or seal and remains immune from changes in a reliable way, and the issuer is certain to accept the contents, and also causes Let science be the judge. On the other hand, in administrative proceedings, the possibility of using electronic evidence can be discussed and investigated. Considering the nascentness of administrative proceedings in Iranian law and its special features, it seems that the use of these evidences in administrative proceedings is worthy of discussion. The main question that this research seeks to answer is how to cite electronic evidence in civil and administrative proceedings. The research method in this study is descriptive-analytical, and the library method was used to collect the sources.

**Keywords:**electronic evidence, administrative proceedings, civil proceedings, jurisprudence, proof of claim.

---

\*. PhD student in private law, Sari Branch, Islamic Azad University, Sari, Iran. hamidrezaa515@gmail.com

\*\* . Assistant Professor, Department of Law, Sari Branch, Islamic Azad University, Sari, Iran. Assistant Professor of the Department of Private Law, Faculty of Law and Political Sciences, Mazandaran University . (Corresponding Author). hamid.abhary@gmail.com

\*\*\*. Assistant Professor, Department of Private Law, Joibar Branch, Islamic Azad University, Joibar. Iran. 1.moghaddari@gmail.com